

یکی از اهداف سازمان‌های آموزشی و تحقیقاتی در هر جامعه‌ای، تربیت و پرورش انسان‌هایی توانا در امور پژوهشی و تحقیقاتی است؛ به طوری که یکی از شاخص‌های رشد و توسعه هر کشور، توان و ظرفیت علمی بالفعل آن کشور است (تابعی و محمودیان، ۱۳۸۶، ص ۵۲). ارتقای این توان به بهبود وضعیت تولید اطلاعات علمی بستگی دارد که پژوهش‌های علمی و سرمایه‌گذاری به تحقق این کار مهم می‌انجامد. از آنجا که افزایش و تعمیق فعالیت‌های پژوهشی زمینه‌ساز اصلی توسعه و پیشرفت یک جامعه به‌شمار می‌رود، امروزه بخش چشمگیری از امکانات کشورهای پیشرفته جهان، صرف امور پژوهشی می‌شود (تصویری قمصری و جهان‌نما، ۱۳۸۵، ص ۱۰۷). بی‌شک دستاوردهای زندگی امروزه، نتیجه این مطالعات و پژوهش‌هاست. ویژگی‌های زندگی دوران معاصر، از جمله رشد و تحول سریع و روزافزون علم و فناوری و رقابت‌های بین‌المللی در عرصه تولید دانش و فنون، نیازمند تربیت دانش‌آموختگان خلاق، نوآور، پرمطالعه و پژوهشگر است (رضایی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۵۱). افزون بر این، یکی از شاخص‌ترین مقولات مورد بحث در آموزش عالی، موضوع «آموزش مبتنی بر پژوهش» و برداشت‌های مختلف از نحوه اجرای آن است. فایق آمدن بر فاصله موجود میان حوزه‌های آموزش و پژوهش به رخنه‌کردن پژوهش در بدنه آموزش عالی، به‌ویژه در حوزه آموزشی امکان‌پذیر است (اینست ویستل، ۲۰۰۲).

حوزه علمی نیز در جایگاه بنیادی‌ترین سازوکار جامعه برای ادامه حیات دینی، اعتقادی، فرهنگی و ارزشی، اجتماعی و سیاسی و... نه تنها برای تحقق رسالت‌های خود از جمله، انتقال فرهنگ (فرهنگ‌پذیری دینی)، پرورش اجتماعی (جامعه‌پذیری)، پرورش سیاسی، تربیت حرفه‌ای و تخصصی مبلغان دینی و محققان علوم اسلامی، نوآوری و تغییر، یگانگی اجتماعی، انتظام اجتماعی، رشد شخصیت، دگرگون‌سازی نظام طبقاتی جامعه، تسهیل تحرک اجتماعی (علاقه‌بند، ۱۳۸۵، ص ۱۷) و رسیدن به مهم‌ترین هدف خود در رشدشناختی، یعنی توانمندسازی طلاب و دانش‌پژوهان در درک پدیده‌ها و سیستم‌های موجود جهان و سلسله‌مراتب و ارتباط ارگانیک میان آنها (میرکمالی، ۱۳۸۲، ص ۴۱) نیازمند پژوهش مستمر و به‌روز است، بلکه می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت عظیم انسانی در اختیار (طلاب جوان و استادان حوزه)، برای برون‌دادهای نظام آموزشی، افزون بر نقش‌آفرینی در چرخه تولید و مدیریت دانش، تحقیقات گسترده‌ای را به‌ویژه در زمینه‌های کاربردی و گره‌گشایی از دشواری‌ها و ارتقای روش‌های آموزشی (تربیت مبلغ و محقق علوم دینی) و ایجاد روحیه کنجکاوی، پرسشگری، خلاقیت، جست‌وجو و ایجاد روحیه پژوهش

پژوهش در نظام آموزشی حوزه بازدارنده‌ها و راهکارها

سیف‌الله فضل‌الهی قمشی / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

منصوره ملکی توانا / دبیر آموزش و پرورش منطقه ۲ قم

دریافت: ۱۳۹۲/۳/۱۹ - پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۲۷

fazlollahigh@yahoo.com

malakitavana_m@yahoo.com

چکیده

هدف این نوشتار، واکاوی عوامل بازدارنده پژوهش در نظام آموزشی حوزه و اولویت‌بندی راهکارهای برون‌رفت از آن، بر اساس دیدگاه طلبه‌های سطح سه و چهار حوزه علمی قم است. روش این پژوهش توصیفی - پیمایشی است و جامعه آماری آن شامل طلبه‌های سطح سه و چهار حوزه علمی قم بود که شمار ۲۶۰ نفر از آنان به شیوه تصادفی ساده به‌عنوان گروه نمونه آماری انتخاب شدند. داده‌های موردنیاز با پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته و با پایایی ۰/۸۷ بر مبنای مقیاس درجه‌بندی پنج سطحی لیکرت و آرایش رتبه‌ای جمع‌آوری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر روش‌های توصیفی، از آمار استنباطی در حد آزمون «Z» یک‌گروهی و تحلیل واریانس یک‌راهه «F» استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که به‌ترتیب، عوامل مربوط به سیاست‌گذاری نظام تحقیقاتی، فرهنگی، فردی (فنی و تخصصی)، اداری - ساختاری، نحوه ارائه خدمات پژوهشی و انگیزشی، نقش بازدارندگی دارند و تفاوت میزان شدت بازدارندگی عوامل گوناگون مطالعه‌شده نیز معنادار است. ایجاد نظام تشویق آثار منتشرشده، بازنگری نظام ارزیابی فعالیت‌های تحقیقاتی، افزایش نشریه‌های تخصصی و آموزش و ارتقای توانمندی‌های علمی و عملی در زمینه پژوهش، به‌ترتیب، از مهم‌ترین و اولویت‌دارترین راهکارهای برون‌رفت شمرده می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: پژوهش، عوامل بازدارنده، نظام آموزشی حوزه علمی قم، راهکارها.

در آینده‌سازان بر عهده داشته باشد و رویکردهای موجود در تعلیم و تربیت را به سمت محوریت تحقیق هدایت کند و از سوی دیگر موجبات پویایی بیشتر آن را فراهم سازد.

امروزه پژوهش زیربنای توسعه و پیشرفت جامعه به شمار می‌آید به طوری که می‌توان اذعان کرد بدون پژوهش، شاهد رشد و توسعه پایدار نخواهیم بود (عبدالحق و دیگران، ۲۰۰۱). به بیان دیگر، عصر حاضر، عصر پژوهش‌های علمی پیشرفته است. گسترش دانش و فناوری جدید و توانایی بالای بشر معاصر در حل معضلات و مسائل جامعه محصول پژوهش است و هراندازه مسائل جامعه پیچیده‌تر شود، ضرورت پرورش و جلب نیروهای محقق و ایجاد تشکیلات برای برنامه‌ریزی و ساماندهی فعالیت‌های پژوهشی هوشمندانه نیز بیشتر احساس می‌شود. دانشمندان، تحقیقات را یکی از محورهای کلیدی در امنیت ملی کشورها دانسته‌اند و بر این باورند که پیشرفت در هر زمینه‌ای، به پژوهش و برنامه‌ریزی دقیق نیاز دارد (خوش‌فر، ۱۳۷۹، ص ۹۸-۱۰۳). اقتصاد و پیشرفت مبتنی بر علم و فناوری، پدیده‌ای جدید است که در مناسبات جهانی متجلی شد و نقش آن در جایگاه عامل دانش و دانایی محوری در رشد و توسعه اقتصادی مسجل شده است (پاردسی و روزه بوم، ۱۹۹۸).

مسئله پژوهش یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه علمی در هر کشوری شمرده می‌شود (هافلر و دیگران، ۲۰۰۰)؛ از این رو، پژوهش همواره باید با جدیت، شکیبایی، مطالعه گسترده، تردید علمی، علاقه و کاوش مستمر همراه باشد و زمینه کشف، توصیف، تبیین و پیش‌بینی و کنترل پدیده‌ها و گسترش دانایی را فراهم سازد.

امروزه پژوهش مهم‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی جوامع برای رسیدن به جامعه دانامحور است. پژوهش نیروی محرک توسعه همه‌جانبه و پایدار در ابعاد فرهنگ، اقتصاد، سیاست و جامعه است. به‌رغم جایگاه رفیع پژوهش، این حوزه با دشواری‌های ساختاری و عملکردی فراوان مواجه است و ضعف پژوهش و عقب‌ماندگی علمی مهم‌ترین دغدغه و مانع اصلی توسعه جوامع در حال توسعه است (امیری، ۱۳۸۱، ص ۵۲). عدم پشتیبانی دولت از نهادهای پژوهشی، ضعف مدیریت و تصمیم‌گیری، فقدان ساختارهای تحقیقاتی پویا و مستقل، عدم هماهنگی در سیاست‌گذاری و اجرا، نبود رویکرد نظام‌گرا در تبیین نیازها و اولویت‌های پژوهشی، روشن نبودن استراتژی توسعه، وابستگی روانی به فناوری خارجی، بی‌اعتمادی به توان فناوری علمی داخلی و دستاوردهای پژوهشی، فقدان مدیریت علمی (سعادت، ۱۳۸۲، ص ۱۰)، فقدان نگرش مثبت درباره نقش تحقیقات در تقویت بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی، فقدان یک سیستم هماهنگ و کارآمد اطلاع‌رسانی برای پیشگیری از موازی‌کاری

و هدر رفتن منابع، ضعف در سیستم طبقه‌بندی و نگه‌داری اطلاعات و در دسترس نبودن نتایج تحقیقات در سطوح ملی و بین‌المللی، عدم سرمایه‌گذاری در اشاعه فرهنگ پژوهش، کمبود وسایل و تجهیزات جدید اطلاع‌رسانی، پایین بودن حجم سرمایه‌گذاری و اعتبارات پژوهشی، دولتی بودن نهادهای پژوهشی و ضعف فراوان فرهنگ تعاون و کار جمعی میان پژوهشگران و مراکز تحقیقاتی از دغدغه‌ها و مشکلات موجود در حوزه پژوهش است.

از سوی دیگر، ساختار تحقیقاتی مؤسسات علمی و پژوهشی با دشواری‌هایی چون استقرار مقررات انعطاف‌ناپذیر، محوریت آموزش به جای پژوهش، ضعف فرهنگ پژوهش و رواج سطحی‌نگری و فقدان کادر علمی صرفاً پژوهشی، تکیه بر اعتبارات دولتی، روشن نبودن اهداف و رسالت‌ها (منصوری، ۱۳۷۰، ص ۶۰-۶۲)، نبود انگیزه پژوهش، مشکلات معیشتی محققان، دشواری تصویب طرح‌ها، فقدان نظام صحیح ارزیابی و نظارت بر طرح‌های تحقیقاتی، کمبود پژوهشگر، فقدان نظام شایسته‌سالاری و انزوای نیروهای علمی و سرانجام پدیده مهاجرت نخبگان و... روبه‌رو هستند.

به‌رغم اینکه تحقیق یکی از عمده‌ترین عوامل رشد و توسعه جوامع بشری است، متأسفانه با بررسی تحقیقات انجام‌شده در ایران و مقایسه کمی و کیفی آنها با کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، اختلاف چشمگیر شاخص‌های تحقیق، از نظر تعداد محقق، بودجه، شمار کتاب‌های منتشرشده و نشریه‌های علمی و... دیده می‌شود (هالید و درل، ۱۹۹۸، ص ۶۰۹). کمیت و کیفیت تولید علمی مانند طرح‌ها و مقالات پژوهشی، از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه علمی هر جامعه‌ای است (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۹۸). سطح تکنولوژی و توسعه، تناسبی مستقیم با شاخص‌های اصلی تحقیق و پژوهش یعنی میزان سرمایه‌گذاری در تحقیق و شمار نیروهای محقق دارد. در سال ۱۹۹۰ معادل ۹۶ درصد بودجه تحقیقاتی جهان در کشورهای توسعه‌یافته و فقط ۴ درصد آن در کشورهای در حال توسعه هزینه شده است؛ سهم کشورهای مسلمان از این میان فقط یک درصد بوده است (یحیی، ۱۳۷۹، ص ۲۴).

نظام آموزشی حوزه علمیه نیز به‌مثابه یکی از ساختارهای علمی - فرهنگی و آموزشی، به‌رغم بهره‌مندی از نیروی عظیم انسانی اعم از طلاب جوان و اندیشمند، محققان و مبلغان علوم اسلامی دل‌سوز، تحصیل‌کرده و خلاق، تا اندازه‌ای با دشواری‌های یادشده درگیر بوده است و استراتژی روشنی برای پژوهش ندارد. این موضوع سبب شده است که نتواند جایگاه تحقیق و محقق و نقش آنان را در پیشرفت، توسعه و تعالی دینی و ارزشی جامعه مشخص و نهادینه کند؛ از این رو، گاه به پژوهش به‌مثابه فعالیتی روبنایی و سطحی نگرسته می‌شود و فضایی مناسب برای تحقیقات وجود ندارد. این مسئله

نه تنها موجبات دوری بخش عظیمی از حوزویان از پژوهش را در پی دارد، بلکه انگیزه مطالعه را کاهش می دهد و زمینه را برای افسردگی و استهلاک شغلی هموار می کند. برای فایق آمدن بر این مشکلات، نه تنها مؤسسات آموزش عالی و مراکز پژوهشی، بلکه حوزه نیز می بایست بر ضرورت اصلاح و تغییر ساختار و سازوکارهای تحقیقاتی و فنون و شیوه مدیریت تحقیقات تأکید کرده، به دنبال افزایش بهره‌وری تحقیقات باشد. از جمله اقدامات کارساز در این زمینه می توان به برنامه ریزی راهبردی، وجود ساختارها، روش ها، دستورعمل ها، سازماندهی، استفاده از تجهیزات، فناوری، منابع انسانی و فرهنگ سازی اشاره کرد (طیبی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶-۱۲۴)؛ بدین ترتیب مسائل و ضعف ها شناسایی و با راهکارهای مناسب مرتفع می شود و زمینه برای پویایی علمی و تحقیقاتی حوزه ها مهیا شود.

تحقق این کار مهم مستلزم عزم مسئولان و متولیان حوزوی است تا بتوان در به روز کردن علم و دانش حوزویان قدمی برداشت. در این باره برای تحقق اهداف پژوهشی، بررسی و اولویت بندی عوامل بازدارنده پژوهش حوزویان و شناسایی راهکارهای مناسب برای برون رفت از آن، کاری اجتناب ناپذیر است. آگاهی از موانع مزبور و مرتفع کردن آنها برای ارتقای سطح کمی و کیفی پژوهش و افزایش کارایی پژوهشی حوزویان، ضرورت اجتناب ناپذیر می نماید.

بنینز (Bennis) (۱۹۹۹) در تحقیق خود ضعف کارآمدی مدیریت را ویژگی مشترک اغلب سازمان های پژوهشی بیان کرده، معتقد است آنها نیز مانند بسیاری از سازمان های دیگر نتوانسته اند گام های مؤثری برای غلبه بر موانع و مشکلات خود بردارند. کوک (Cook) (۲۰۰۱) ابهام در حوزه وظایف مدیران پژوهشی و به دنبال آن، ابهام در تعیین معیارهای آزمون اثربخشی فعالیت های این حوزه را از جمله موانع توسعه پژوهش دانسته است. نتایج تحقیق (ادوارد، ۲۰۰۲) نشان داد لذت همکاری در گروه پویا، مشارکت در کارگروهی و احساس ارزشمند بودن در یک گروه، سبب افزایش انگیزه محقق می شود. کوهن و جنین (Jenning&Cohen) (۲۰۰۲) نشان دادند درصد فراوانی از وقت هیئت علمی صرف آموزش می شود و اکثر اعضای هیئت علمی در کشورهای در حال توسعه، وقت کافی برای انجام امور پژوهشی ندارند. همسلی براون و اپلتکا (oplatka & Brown Hemsley) (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که عواملی چون در دسترس بودن نتایج تحقیق، اطمینان و اعتبار کم به نتایج تحقیق، شکاف میان محققان و استفاده کنندگان و عوامل سازمانی از اصلی ترین موانع به کارگیری یافته های پژوهش به شمار می روند.

کاریون و دیگران (Carrion & et al) (۲۰۰۴) نتیجه گرفتند که ویژگی های محیط کار و خصوصیات فردی از موانع عمده انجام پژوهش به شمار می روند. سادرلاند (Saderland) (به نقل از خواجه بهرامی،

۱۳۸۳، ص ۷۷) در آمریکا پژوهشی با عنوان «ادراک معلمان از تحقیق و پژوهش» انجام شده است. نتایج حاکی از این بود که بیشتر معلمان معتقدند که تحقیق و پژوهش در بهبود حرفه ای، ایجاد خلاقیت و تغییر دیدگاه های آنان مؤثر بوده است. پژوهش دیگری توسط جفری و جیمز (به نقل از باجلان، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳) با عنوان «تأثیر تحقیق و پژوهش معلمان در بهبود جو مدارس» انجام شد که نشان داد هرچه معلمان بیشتر تحقیق و پژوهش داشته باشند، جو مدرسه انعطاف و اثربخشی بیشتری دارد.

صافی (۱۳۸۰) مشکلات پژوهش در آموزش و پرورش را نبود خط مشی جامع مبتنی بر مطالعات نظام یافته، نارسایی استفاده از نیروی انسانی کارآمد در کار پژوهش، ضعف انگیزه های لازم در پژوهشگران، ناهماهنگی سازمان ها در کار پژوهش، کمبود بودجه و وجود بوروکراسی اداری برای هزینه کردن بودجه مصوب، کمبود ارتباطات لازم میان سازمان های پژوهشی آموزش و پرورش و سازمان های عالی، کمبود مراکز اطلاع رسانی و عدم کاربرد نتایج پژوهش در تصمیم گیری ها توصیف می کند.

ظهور و فکری (۱۳۸۲) در بررسی موانع پژوهشی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران، موانع پژوهش را به دو دسته موانع شخصی (علاقه به انجام پژوهش، تبحر در تدوین طرح نامه، اجرای پژوهش، آنالیز داده ها، تفسیر مقاله نویسی) و موانع سازمانی (چگونگی مراحل تصویب طرح نامه، کیفیت خدمات کمک پژوهشی در دانشکده ها، پرداخت حق الزحمه پژوهش) تقسیم کردند.

سواری و تقی پور (۱۳۸۲) طی تحقیقی با عنوان بررسی موانع پژوهش در دانشگاه پیام نور از دیدگاه اعضای هیئت علمی منطقه هفت به این نتیجه رسیدند که عوامل اداری - مالی، کمبود اطلاعات، نگرش نسبت به تحقیق و مسائل هیئت علمی از جمله موانع عمده پژوهش استادان شمرده می شوند.

علمداری و افشون (۱۳۸۲) در تحقیقی نشان دادند که موانع شخصی مانند کمبود وقت و مشغله فراوان، بی علاقهگی به امر پژوهش، به ترتیب بیشترین و کمترین موانع سازمانی مانند کمبود امکانات و تجهیزات لازم و محدودیت های اخلاقی انجام پژوهش به ترتیب بزرگترین و کوچکترین موانع پژوهشی اند.

خواجه بهرامی (۱۳۸۳) در پایان نامه ای با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر گرایش معلمان بر فعالیت های پژوهشی از دیدگاه معلمان منطقه ماهان کرمان» نشان داد که به ترتیب، آگاهی معلمان از روش تحقیق، اثر دادن فعالیت پژوهشی در ارزشیابی، استفاده از نتیجه پژوهش در عمل و سر انجام تشویق مادی و غیرمادی بر گرایش معلمان بر فعالیت های پژوهشی اثر دارند.

عموزاده مهدیرجی (۱۳۸۴) در پایان نامه ای با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر گسترش طرح معلم پژوهنده در میان معلمان ابتدایی شهر تهران» به این نتیجه دست یافت که عوامل سازمانی،

تسهیلات مالی، عوامل آموزشی و عوامل فرهنگی - اجتماعی در گسترش طرح معلم‌پژوهنده در میان معلمان مقطع ابتدایی مؤثر است.

کیانپور و همکاران (۱۳۸۴) نتیجه گرفتند که از دیدگاه مسئولان، ارتباط کم میان محققان، کمبود وقت به علت وظایف آموزشی و عدم وجود اهداف و برنامه مشخص، مهم‌ترین موانع تحقیق به‌شمار می‌روند؛ از دیدگاه اعضای هیئت علمی نیز همین موارد مهم‌ترین موانع تحقیق ذکر شده‌اند. از دیدگاه کارشناسان پژوهشی نیز نبود اهداف و برنامه مشخص در نظام پژوهشی، تأمین نکردن شرایط مناسب اقتصادی و آشنا نبودن با فرهنگ کار گروهی، عمده‌ترین موانع تحقیق ذکر شده‌اند.

کمالی (۱۳۸۵) در بررسی موانع و مشکلات انجام تحقیقات مشارکتی در ایران نشان داد مشکلاتی از قبیل، نوع و ساختار سازمانی و اداری، اعتماد ضعیف مدیران به تحقیقات، ضعف آیین‌نامه‌های تشویقی، آموزش‌های ضعیف و نامناسب محققان، تأکید بر کمیّت به جای کیفیت در انجام تحقیقات و ضعف فرهنگ انجام کار گروهی بر سر راه انجام تحقیق وجود دارند.

تصویری قمصری و جهان‌نما (۱۳۸۵) وجود موانع گوناگون برای شرکت در گردهمایی‌های داخلی و خارجی، طولانی بودن مراحل تصویب و کمبود وقت را به‌مثابه مهم‌ترین مشکلات پژوهشگران در انتشار آثار علمی بیان کرده‌اند.

شریف‌زاده و همکاران (۱۳۸۶) نتیجه گرفتند که اعضای هیئت علمی بیشتر به تحقیقات دانشجویی در تحصیلات تکمیلی مشغول‌اند و مشارکت آنان در انتشار یافته‌های پژوهشی در قالب فعالیت‌های ترویجی و نیز همکاری پژوهشی با مراکز بین‌المللی محدود است و شرکت در کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی، استفاده از اینترنت، انجام طرح پژوهشی و جامعه تحت مطالعه، هم‌بستگی مثبت و معناداری با انجام تحقیق دارد.

عرب مختاری (۱۳۸۶) در تحقیق خود نشان داد که پنج مانع مالی، کمبود تسهیلات امکانات اداری و ساختاری، مشکلات فردی، مشکلات اطلاع‌رسانی فرهنگی - اجتماعی از موانع انجام پژوهش در ورزش‌اند.

فضل‌الهی (۱۳۸۸) در مقاله «شناسایی و اولویت‌بندی موانع تولید علم از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های استان قم» نشان داد مهم‌ترین موانع بازدارنده برای تولید علم، به‌ترتیب شامل موانع انگیزشی، موانع اقتصادی، موانع اداری و بوروکراتیک، موانع مربوط به نحوه ارائه خدمات علمی - پژوهشی و موانع فردی مربوط به توانمندی‌های فنی و تخصصی آنان است. تأکید بر آموزش‌محوری دانشگاه‌ها به‌جای پژوهش‌محوری، عدم حمایت‌های مالی در انتشار، تألیف، ترجمه کتاب‌ها و مقالات و

پایین‌بودن تسلط استادان به زبان انگلیسی به‌ترتیب سه مانع مهم مورد تأکید بودند و آشنایی اندک آنان با شیوه‌های پژوهش علمی کم‌اثرترین عامل در این فرایند شناخته شد.

زارع احمدآبادی و همکاران (۱۳۸۸) به این نتیجه رسیدند که موانع مربوط به ساختار آموزشی بیشترین اثر را بر ناکارایی پژوهشی در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور از خود بر جای گذاشته است و معتقدند ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تشویق، روش کارگاهی در پژوهش و ایجاد ارتباط میان صنعت و مراکز اجرایی با دانشگاه، کارآمد کردن سیستم تأمین و پرداخت اعتبارات پژوهشی به همراه تشویق محققان به تمرکز صرف بر روی پژوهش، سبب بهبود و افزایش عملکرد پژوهشی خواهد شد.

سرشتی و همکاران (۱۳۸۹) نشان دادند که مهم‌ترین موانع انجام پژوهش به‌ترتیب شامل عدم ایجاد انگیزه در پژوهشگران، کمبود وقت و مشغله فراوان، مقررات دست‌وپاگیر اداری، عدم استفاده از نتایج تحقیق و ناتوانی ترجمه مقالات فارسی به زبان‌های دیگر است و کم‌اثرترین موانع بی‌علاقگی به امر پژوهش، ناتوانی در استفاده از رایانه و مفیدنبودن پژوهش است.

فضل‌الهی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «واکاوی عوامل بازدارنده مؤثر بر پژوهش‌های طلاب حوزه علمیه» نشان داد که دشواری دسترسی به استادان مجرب و متخصص برای راهنمایی و مشاوره طرح‌های پژوهشی، وجود اشتغالات فکری مختلف برای امرار معاش، آشنایی کم طلاب با روش‌شناسی تحقیق و عدم ترغیب و تشویق حوزویان به مطالعه و پژوهش در نظام آموزشی حوزه، به‌ترتیب از مهم‌ترین بازدارنده‌های پژوهشی شمرده می‌شوند و مهم‌ترین راهکارهای برون‌رفت از این وضعیت به‌ترتیب، شامل رسیدگی به وضعیت معیشتی طلاب جوان و اندیشمند حوزه، اختصاص بخشی از وظایف آموزشی مدرسین حوزه به پژوهش و تحقیق، آموزش و ارتقای توانمندی‌های علمی و عملی طلبه‌ها در زمینه پژوهش و بازنگری و اصلاح اساسی نظام ارزشیابی فعالیت‌های پژوهشی است.

فضل‌الهی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی عوامل بازدارنده مؤثر بر پژوهش‌های فرهنگیان و راهکارهای برون‌رفت از آن پرداختند. نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق نشان داد که به‌ترتیب، عوامل فرهنگی، فردی (فنی و تخصصی)، نحوه ارائه خدمات پژوهشی، عوامل اداری - ساختاری و انگیزشی در پژوهش‌های فرهنگیان نقش بازدارندگی دارند و پایین بودن روحیه فعالیت‌های گروهی و تیمی برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی، نهادینه نشدن فرهنگ پژوهش در میان فرهنگیان، اهمیت ندادن مسئولان به پژوهش‌های فرهنگیان از اولویت‌دارترین موانع‌اند و اختصاص بخشی از وظایف آموزشی معلمان به تحقیق و رسیدگی به وضعیت معیشتی آنان به‌ترتیب، از مهم‌ترین و اولویت‌دارترین راهکارهای

برونرفت شمرده می‌شوند. تفاوت میزان شدت بازدارندگی عوامل مختلف مورد مطالعه نیز معنادار نیست.

فصل الهی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل بازدارنده مؤثر بر پژوهش‌های دانشجویی» به صورت توصیفی-پیمایشی نشان داد که به ترتیب، عوامل فردی (فنی و تخصصی)، انگیزشی، نحوه ارائه خدمات پژوهشی، اداری - ساختاری و فرهنگی در پژوهش‌های دانشجویی نقش بازدارندگی دارند و پایین بودن علاقه به پژوهش، برگزار نشدن کارگاه‌های روش تحقیق، تأکید بر آموزش محوری به جای پژوهش محوری، کمبود نشریات و منابع مرجع حوزه تخصصی رشته‌ها، فقدان قوانین مشخص برای ارزیابی فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان و در دسترس نبودن استادان مجرب برای راهنمایی پژوهش دانشجویی، از اولویت‌دارترین موانع‌اند.

با توجه به مطالب یادشده در این تحقیق عوامل بازدارنده پژوهش در نظام آموزشی حوزه و راهکارهای برون‌رفت از آن، از دیدگاه طلاب حوزه بررسی می‌شود تا ضمن شناسایی و اولویت‌بندی عوامل بازدارنده، همچنین شناسایی و اولویت‌بندی راهکارهای برون‌رفت از عوامل بازدارنده با تأملی بر وضعیت پژوهش، لزوم توجه و حساسیت مسئولان حوزه را به نقش پژوهش حوزه در ارتقای سطح علمی و عملی فرایند تعلیم و تربیت در جامعه یادآور شود؛ به بیان دیگر، هدف کلی این تحقیق شناسایی عوامل بازدارنده مؤثر بر پژوهش در نظام آموزشی حوزه از دیدگاه طلاب در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ بود که برای نیل به این هدف، پرسش‌های زیر بررسی شد:

۱. از دیدگاه طلاب حوزه، عوامل بازدارنده مؤثر بر پژوهش در نظام آموزشی حوزه کدام‌اند؟
۲. از دیدگاه طلاب حوزه، نقش بازدارندگی کدام‌یک از عوامل بر فرایند پژوهشی حوزه بیشتر است؟
۳. از دیدگاه طلاب حوزه، به ترتیب اولویت، راهکارهای مناسب برای مقابله و برون‌رفت از عوامل بازدارنده پژوهش کدامند؟

روش تحقیق

روش تحقیق از نظر اهداف کاربردی و به لحاظ شیوه جمع‌آوری اطلاعات توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری شامل همه طلبه‌های سطح سه و چهار حوزه علمیه قم است که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ مشغول تدوین پایان‌نامه تحصیلی بودند و بر اساس جدول مورگان و کرجسی (اقتباس از حسن‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۳۳) شمار ۲۶۰ نفر به شیوه تصادفی ساده برای نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق‌ساخته است که حاوی ۳۵ پرسش بسته پاسخ از نوع مقیاس پنج

درجه‌ای لیکرت و شمار ۱۳ راهکار در قالب آرایش رتبه‌ای که از آزمودنی‌ها می‌خواست به ترتیب اهمیت از یک تا پنج نمره‌گذاری کنند. برای حصول اطمینان از روایی صوری و محتوایی، پرسشنامه به تنی چند از استادان و محققان شاخص حوزه علمیه ارائه گردید. سپس گویه‌های مورد توافق و برخی از گویه‌های پیشنهادی در ابزار اندازه‌گیری لحاظ و بقیه مواردی که از نظر ایشان ارتباط چندانی با موضوع نداشت اصلاح یا حذف شدند. پایایی پرسشنامه براساس آلفای کرانباخ نیز ۰/۸۷ به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها افزون بر آمار توصیفی از آمار استنباطی درحد آزمون «Z» یک‌گروهی (تک‌نمونه‌ای) و تحلیل واریانس یک راهه «F» استفاده گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

جدول ۱: عوامل بازدارنده مربوط به سیاست‌گذاری نظام تحقیقاتی

R	V	z	S	\bar{X}	$\sum x$	مؤلفه‌ها
۱	۲۰.۹۹	۲۰.۷۶	۰.۸۶	۴.۰۹	۵۱۵	۱. فقدان راهبردهای مناسب برای فعالیت‌های پژوهشی در حوزه
۴	۲۲.۳۱	۱۸.۶۷	۰.۸۹	۳.۹۸	۴۹۸	۲. فقدان رویکرد نظام‌گرا در تبیین نیازها و اولویت‌های پژوهشی حوزه
۶	۲۴.۹۷	۱۵.۷۲	۰.۹۷	۳.۸۷	۴۷۶	۳. فقدان ساختارهای تحقیقاتی پویا و مستقل در حوزه
۳	۲۲.۱۵	۲۰.۲۳	۰.۹۳	۴.۲	۵۱۶	۴. موظف نبودن مدرسان برای انجام کارهای علمی - تحقیقاتی در حوزه
۵	۲۲.۹۹	۱۸.۱۶	۰.۹۱	۳.۹۵	۵۱۰	۵. فقدان سیستم اطلاع‌رسانی هماهنگ و کارآمد برای جلوگیری از دوباره‌کاری‌های پژوهشی
۲	۲۱.۸۷	۲۰.۱۵	۰.۹	۴.۱۴	۵۱۳	۶. نبود اهداف پژوهشی روشن در نظام آموزش حوزه
$\bar{x}_T = 4.038$						

جدول (۱)، نشان می‌دهد همه مؤلفه‌های مربوط به سیاست‌گذاری نظام تحقیقاتی حوزه نمره «Z»، بزرگتر از «Z» بحرانی در سطح اطمینان ۰/۹۹ و $\alpha = ۰/۰۱ = ۲/۵۸$ کسب کردند و تفاوت میانگین همه آنها با میانگین مورد انتظار (۳) معنادار است. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد که فقدان راهبردهای مناسب برای فعالیت‌های پژوهشی در حوزه با میانگین (۴/۰۹) و انحراف استاندارد (۰/۸۶) و ضریب پراکندگی (۲۰/۹۹) به مثابه مهم‌ترین بازدارنده، در رتبه نخست قرار گرفته است. پس از آن، به ترتیب نبود اهداف پژوهشی روشن در نظام آموزش حوزه، موظف نبودن مدرسان برای انجام کارهای علمی - تحقیقاتی در حوزه، فقدان رویکرد نظام‌گرا در تبیین نیازها و اولویت‌های پژوهشی حوزه، فقدان سیستم اطلاع‌رسانی هماهنگ و کارآمد برای جلوگیری از دوباره‌کاری‌های پژوهشی، در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار دارند. از سوی دیگر، فقدان ساختارهای تحقیقاتی پویا و مستقل در حوزه با میانگین (۴/۸۷) و انحراف استاندارد (۰/۹۷) و ضریب پراکندگی (۲۴/۹۷) در رتبه ششم قرار گرفته است.

جدول (۲): عوامل بازدارنده فرهنگی

R	V	z	S	\bar{X}	$\sum x$	مؤلفه‌ها
۱	۲۵.۸۲	۱.۶۳۴	۱.۰۳	۳.۹۸	۵۱۳	۱- پایین بودن روحیه فعالیت‌های گروهی و تیمی در بین حوزویان برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی
۲	۲۳.۷۱	۱.۶۸	۰.۹۳	۳.۹۱	۴۷۷	۲- اهمیت ندادن مسئولان به پژوهش‌های حوزه
۳	۲۴.۶۳	۱.۶۵۹	۰.۹۶	۳.۹۱	۵۰۱	۳- فقدان بینش روشن نسبت به پژوهش‌های حوزویان در آموزش حوزه علمی
۴	۲۳.۴۸	۱.۸۶۳	۰.۹۶	۴.۰۹	۵۱۹	۴- نهادینه نشدن فرهنگ پژوهش در بین حوزویان
۵	۲۲.۵۳	۱.۸۴۴	۰.۸۹	۳.۹۷	۵۰۰	۵- عدم استفاده از نتایج پژوهش‌های محققان حوزوی
۶	۱۹.۵۹	۲۳.۳۱	۰.۸۳	۴.۲۱	۵۳۱	۶- تأکید بر آموزش محوری به جای پژوهش محوری در نظام آموزشی حوزه
$\bar{x}_T = 4.012$						

جدول (۲) نشان می‌دهد همه مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر پژوهش‌های حوزویان نمره «Z» بزرگتر از بحرانی در سطح اطمینان ۰/۹۹ و $\frac{\alpha}{2} = 0/01 = (2/58)$ کسب کردند و تفاوت میانگین همه آنها با میانگین مورد انتظار (۳) معنادار است. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد تأکید بر آموزش محوری به جای پژوهش محوری در نظام آموزشی حوزه با میانگین (۴/۲۱) و انحراف استاندارد (۰/۸۳) و ضریب پراکندگی ۱۹/۵۹ در رتبه نخست قرار گرفته است و پس از آن، به ترتیب استفاده نکردن از نتایج پژوهش‌های محققان حوزوی، نهادینه نشدن فرهنگ پژوهش در میان حوزویان، اهمیت ندادن مسئولان به پژوهش‌های حوزویان در آموزش حوزه علمی با میانگین (۳/۹۱) و انحراف استاندارد ۰/۹۶ و ضریب پراکندگی (۲۴/۶۳) در رتبه پنجم قرار گرفته است. پایین بودن روحیه فعالیت‌های گروهی و تیمی در میان حوزویان برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی با میانگین ۳/۹۸ و انحراف استاندارد (۱/۰۳) و ضریب پراکندگی (۲۵/۸۲) در رتبه ششم قرار گرفته است.

جدول (۳) عوامل بازدارنده مربوط به نظام اداری و ساختاری

R	V	z	S	\bar{X}	$\sum x$	مؤلفه‌ها
۱	۳۴.۳۵	۸.۶۵	۱.۱۷	۳.۴۱	۴۲۰	۱- وجود قوانین و مقررات بازدارنده اداری - اجرایی برای پژوهش
۲	۲۴.۴۶	۱۷.۰۲	۰.۹۹	۴.۰۳	۴۸۴	۲- طولانی بودن فرایند طرح و تصویب پروژه‌های تحقیقاتی
۳	۲۶.۴۳	۱۴.۹۸	۱.۰۱	۳.۸۳	۴۹۸	۳- فقدان قوانین و مقررات مشخص برای ارزیابی فعالیت‌های پژوهشی
۴	۲۶.۳۹	۱۳.۶۱	۰.۹۷	۳.۶۷	۴۶۶	۴- مناسب نبودن شیوه ارزیابی فعالیت‌های پژوهشی حوزویان در آموزش حوزه علمی
۵	۳۱.۷۵	۱۲.۴۴	۱.۲۲	۳.۸۶	۴۸۶	۵- عدم حمایت مادی و مالی از طرح‌های پژوهشی
$\bar{x}_T = 3.76$						

جدول (۳) نشان می‌دهد همه مؤلفه‌های مربوط به نظام اداری و ساختاری مؤثر بر پژوهش‌های حوزویان نمره «Z» بزرگتر از بحرانی در سطح اطمینان ۰/۹۹ و $\frac{\alpha}{2} = 0/01 = (2/58)$ کسب کردند و

تفاوت میانگین همه آنها با میانگین مورد انتظار (۳) معنادار است. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد طولانی بودن فرایند طرح و تصویب پروژه‌های تحقیقاتی حوزه با میانگین (۴/۰۳) و انحراف استاندارد (۰/۹۹) و ضریب پراکندگی (۲۴/۴۶) در رتبه اول قرار گرفته است و پس از آن، به ترتیب مناسب نبودن شیوه ارزیابی فعالیت‌های پژوهشی حوزویان در آموزش حوزه علمی، نبود قوانین و مقررات مشخص برای ارزیابی فعالیت‌های پژوهشی، اهمیت ندادن مسئولان به پژوهش‌های حوزه، در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند و از سوی دیگر، نبود حمایت مادی و مالی از طرح‌های پژوهشی با میانگین (۳/۸۶) و انحراف استاندارد (۱/۲۲) و ضریب پراکندگی (۳۱/۷۵) در رتبه چهارم و وجود قوانین و مقررات بازدارنده اداری - اجرایی برای پژوهش‌ها میانگین (۳/۴۱) و انحراف استاندارد (۱/۱۷) و ضریب پراکندگی (۳۴/۳۵) در رتبه ششم قرار گرفته است.

جدول (۴) عوامل بازدارنده انگیزشی

R	V	z	S	\bar{X}	$\sum x$	مؤلفه‌ها
۱	۲۳.۴۵	۱۹.۰۲	۰.۹۷	۴.۱۲	۵۲۱	۱- عدم ترغیب و تشویق حوزویان به مطالعه و تحقیق در نظام آموزشی حوزه
۲	۲۶.۱۵	۱۳.۸۹	۰.۹۶	۳.۶۷	۴۷۷	۲- پایین بودن اعتماد بنفس برای فعالیت‌های پژوهشی
۳	۳۰.۷۵	۱۰.۲۱	۱.۰۶	۳.۴۴	۴۵۴	۳- پایین بودن علاقه نسبت به امر پژوهش در بین حوزویان
۴	۲۵.۲۷	۱۶.۳۹	۱	۳.۹۵	۵۰۲	۴- عدم همکاری مناسب سازمان‌ها و مراکز اطلاعاتی با تحقیقات حوزه
۵	۲۲.۹	۱۷.۶۵	۰.۹	۳.۹۴	۴۸۱	۵- نبود گرایش مثبت به نقش تحقیقات در تقویت بنیان‌های فرهنگی و آموزشی حوزه
۶	۴۰.۰۴	۳.۵۷	۱.۱۵	۲.۸۸	۳۲۷	۶- تردید در صلاحیت علمی محققان حوزوی
$\bar{x}_T = 3.67$						

جدول (۴) نشان می‌دهد همه مؤلفه‌های انگیزشی مؤثر بر پژوهش‌های حوزویان، نمره «Z» بزرگتر از بحرانی در سطح اطمینان ۰/۹۹ و $\frac{\alpha}{2} = 0/01 = (2/58)$ کسب کردند و تفاوت میانگین همه آنها با میانگین مورد انتظار (۳) معنادار است. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد که نبود گرایش مثبت درباره نقش تحقیقات در تقویت بنیان‌های فرهنگی و آموزشی حوزه، با میانگین (۳/۹۴) و انحراف استاندارد (۰/۹) و ضریب پراکندگی (۲۲/۹) در رتبه نخست قرار گرفته است. پس از آن، به ترتیب ترغیب و تشویق نکردن حوزویان به مطالعه و تحقیق در نظام آموزشی حوزه، همکاری نکردن مناسب سازمان‌ها و مراکز اطلاعاتی با تحقیقات حوزه، پایین بودن اعتماد بنفس برای فعالیت‌های پژوهشی، در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار دارند. از سوی دیگر، پایین بودن علاقه به کار پژوهش در میان حوزویان با میانگین (۳/۴۴) و انحراف استاندارد (۱/۰۶) و ضریب پراکندگی (۳۰/۷۵) در رتبه پنجم قرار گرفته است. تردید در صلاحیت علمی محققان حوزوی با میانگین (۲/۸۸) و انحراف استاندارد (۱/۱۵) و ضریب پراکندگی (۴۰/۰۴) در رتبه ششم قرار گرفته است.

جدول (۶) نشان می‌دهد که همه مؤلفه‌های عوامل فردی (فنی و تخصصی) بازدارنده مؤثر بر پژوهش‌های حوزویان، نمره «Z» بزرگتر از «Z» بحرانی در سطح اطمینان ۰/۹۹ و $\frac{\alpha}{2}=0/01$ (۲/۵۸) کسب کردند و تفاوت میانگین همه آنها با میانگین مورد انتظار (۳) معنادار است. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد پایین بودن میزان آشنایی با متدولوژی و روش‌شناسی تحقیق با میانگین (۴/۱۳) و انحراف استاندارد (۰/۹) و ضریب پراکندگی (۲۱/۷۶) در رتبه نخست قرار گرفته است. پس از آن، به ترتیب وجود اشتغالات فکری مختلف برای امرار معاش، آشنایی با شیوه‌های بهره‌گیری از اینترنت، رایانه و منابع پژوهشی، دشواربودن تأمین هزینه‌های پژوهشی برای حوزویان، در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار دارند. از طرف دیگر، نداشتن فرصت کافی برای پرداختن به پژوهش به سبب همراه شدن آموزش و مسئولیت‌های اجتماعی حوزویان، با میانگین (۳/۵۵) و انحراف استاندارد ۱/۱ و ضریب پراکندگی ۳۰/۹۶ در رتبه پنجم قرار گرفته است.

جدول ۷: مقایسه تفاوت شدت بازدارندگی عوامل مختلف

عوامل	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس
عوامل بازدارنده مربوط به سیاست‌گذاری نظام تحقیقاتی	۴/۰۳۸	۰/۱۲۵	۰/۰۱۶
عوامل بازدارنده فرهنگی	۴/۰۱۲	۰/۱۱۷	۰/۰۰۱۴
عوامل بازدارنده مربوط به نظام اداری و ساختاری	۳/۷۶	۰/۲۳۴	۰/۰۵۴
عوامل بازدارنده انگیزشی	۳/۶۷	۰/۴۵۴	۰/۲۰۶
عوامل مربوط به نحوه ارائه خدمات پژوهشی	۳/۶۹	۰/۵۵۷	۰/۳۱۱
عوامل بازدارنده فردی (فنی و تخصصی)	۳/۸۹	۰/۱۱۲	۰/۳۳۵

جدول ۸: خلاصه تحلیل واریانس

منابع تغییرات	ss	df	Ms	F
گروه‌ها				
SSB واریانس بین گروه‌ها	۰/۱۷	۵	۰/۰۳۴	
SSw واریانس درون گروه‌ها	۳/۴۷۲	۲۹	۰/۱۲	۲/۸۴
SST واریانس کل	۳/۶۴۲	۳۴	-	

داده‌های جدول (۷) مقایسه نمرات مربوط به آثار بازدارندگی عوامل مختلف مؤثر بر پژوهش حوزه علمی را نشان می‌دهد. بیشترین میانگین (۴/۰۳۸) مربوط به عوامل بازدارنده سیاست‌گذاری نظام تحقیقاتی است و پس از آن عوامل فرهنگی با (۴/۰۱۲) قرار دارند و عوامل فردی (فنی و تخصصی) با میانگین (۳/۸۹) در جایگاه سوم قرار گرفته است. کم‌ترین میانگین مربوط به عوامل انگیزشی با میانگین (۳/۶۷) است. تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه میانگین نمرات عوامل

جدول ۵: عوامل مربوط به نحوه ارائه خدمات پژوهشی

R	V	z	S	\bar{X}	$\sum x$	مؤلفه‌ها
۷	39.45	5.26	1.2	3.05	400	۱- فراهم‌نبودن امکانات و تجهیزات مورد نیاز برای پژوهش، مانند کتابخانه تخصصی و..
۵	33.96	8.46	1.18	3.48	362	۲- فقدان فضای فیزیکی مناسب جهت کارهای تحقیقاتی
۴	24.25	16.87	0.95	3.91	504	۳- عدم وجود نظام اطلاع‌رسانی مناسب جهت اشاعه یافته‌های پژوهشی
۶	37.88	4.98	1.14	3.01	376	۴- دشواربودن دسترسی به خدمات نرم‌افزاری مناسب برای پژوهش
۱	20.01	23.67	0.87	4.33	545	۵- دشواربودن دسترسی به اساتید مجرب برای مشاوره و راهنمایی طرح‌های تحقیقاتی
۳	23.36	18.09	0.93	4	508	۶- عدم برگزاری کارگاه‌های مناسب روش تحقیق برای حوزویان
۲	23.6	18.61	0.96	4.09	523	۷- نبود دروس خاص آموزش و آشنایی طلاب با روش‌های تحقیق در میان درس‌های حوزویان
$\bar{x}_T = 3.69$						

جدول (۵) نشان می‌دهد همه مؤلفه‌های عوامل مربوط به نحوه ارائه خدمات پژوهشی مؤثر بر پژوهش‌های حوزویان نمره «Z» بزرگتر از «Z» بحرانی در سطح اطمینان ۰/۹۹ و $\frac{\alpha}{2}=0/01$ (۲/۵۸) کسب کردند و تفاوت میانگین همه آنها با میانگین مورد انتظار (۳) معنادار است. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد که دشوار بودن دسترسی به استادان مجرب برای مشاوره و راهنمایی طرح‌های تحقیقاتی با میانگین (۴/۳۳) و انحراف استاندارد (۰/۸۷) و ضریب پراکندگی (۲۰/۰۱) در رتبه اول قرار گرفته است؛ پس از آن، به ترتیب نبود دروس خاص آموزش و آشنایی طلاب با روش‌های تحقیق در میان درس‌های حوزویان، عدم برگزاری کارگاه‌های مناسب روش تحقیق برای حوزویان، عدم وجود نظام اطلاع‌رسانی مناسب برای اشاعه یافته‌های پژوهشی در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار دارند. از سوی دیگر، فقدان فضای فیزیکی مناسب برای کارهای تحقیقاتی با میانگین (۳/۴۸) و انحراف استاندارد (۱/۱۸) و ضریب پراکندگی ۳۳/۹۶ در رتبه پنجم قرار گرفته است. دشواربودن دسترسی به خدمات نرم‌افزاری مناسب برای پژوهش، فراهم نبودن امکانات و تجهیزات موردنیاز برای پژوهش؛ مانند: کتابخانه تخصصی و... به ترتیب رتبه ششم و هفتم قرار دارند.

جدول (۶) عوامل فردی (فنی و تخصصی)

R	V	z	S	\bar{X}	$\sum x$	مؤلفه‌ها
۲	22.17	20.95	0.94	4.25	540	۱- وجود اشتغالات فکری مختلف برای امرار معاش
۵	30.96	10.92	1.1	3.55	462	۲- نداشتن فرصت کافی برای پرداختن به پژوهش به جهت توأم شدن آموزش و مسئولیت‌های اجتماعی حوزویان
۳	28.18	13.06	1.04	3.69	480	۳- آشنایی با شیوه‌های بهره‌گیری از اینترنت، رایانه و منابع پژوهشی
۱	21.76	20.54	0.9	4.13	529	۴- پایین بودن میزان آشنایی با روش‌شناسی و متدولوژی تحقیق
۴	28.93	13.06	1.08	3.73	489	۵- دشواربودن تأمین هزینه‌های پژوهشی برای حوزویان
$\bar{x}_T = 3.89$						

بالا (جدول ۸) نشان داد که چون قدر مطلق (F) محاسبه شده (۲/۸۴) از F جدول در سطح اطمینان ۰/۹۵ و $\alpha=0/05$ و ۵ و $df=29$ (۲/۵۴) بزرگتر است؛ پس تفاوت میان میانگین‌های مورد مقایسه معنادار بوده با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت میزان شدت اثر بازدارندگی عوامل گوناگون مطالعه‌شده معنادار است. نقش بازدارندگی عوامل مربوط به سیاست‌گذاری نظام پژوهشی حوزه بیش از بقیه موارد است.

جدول ۹: رتبه‌بندی راهکارهای توسعه پژوهش‌های حوزه

R	V	z	S	\bar{X}	$\sum x$	راهکارها
۷	۳۷.۹۹	۹.۴	۱.۴۸	۳.۹	۳۸۶	۱- برنامه‌ریزی برای فرهنگ‌سازی و ایجاد بسترهای مناسب برای پژوهش
۱۳	۴۲.۸۱	۳.۳۸	۱.۲۵	۲.۹۳	۲۸۷	۲- برگزاری همایش‌های علمی و تحقیقاتی
۴	۳۶.۱۵	۸.۲۶	۱.۳	۳.۵۹	۳۴۸	۳- آموزش و ارتقای توانمندی‌های علمی و عملی حوزویان در زمینه پژوهش (روش تحقیق، جست‌وجوی منابع و تجزیه و تحلیل اطلاعات)
۶	۳۷.۳۴	۹.۵۹	۱.۴۷	۳.۹۳	۳۸۱	۴- رسیدگی به وضعیت معیشتی طلاب و اندیشمندان جوان
۹	۳۸.۸۸	۸	۱.۴۳	۳.۶۸	۳۴۶	۵- تدوین اهداف و سیاست‌های کلان علمی برای تحقیقات در حوزه
۵	۳۷.۰۱	۶.۳۶	۱.۲۳	۳.۳۲	۳۰۲	۶- طراحی پروتکل (آداب و قواعد فعالیت‌های علمی و پژوهشی)
۸	۳۸.۴	۷.۷۴	۱.۴۱	۳.۶۶	۳۲۲	۷- اختصاص بخشی از وظایف آموزشی مدرسان (تدریس هفتگی) به پژوهش و تحقیق
۲	۳۳.۳۶	۹.۵۸	۱.۲۳	۳.۷	۳۵۹	۸- بازنگری اساسی و اصلاح نظام ارزیابی فعالیت‌های تحقیقاتی حوزویان
۱۱	۴۱.۷۸	۷.۳۳	۱.۵۲	۳.۶۳	۳۵۲	۹- افزایش اعتبارات پژوهشی حوزه علمیه
۳	۳۵.۵۹	۸.۶۵	۱.۳	۳.۶۵	۳۵۰	۱۰- افزایش نشریه‌های تخصصی برای چاپ و انتشار مقالات علمی اندیشمندان حوزوی
۱	۳۲.۲۵	۱۰.۷۹	۱.۲۵	۳.۸۷	۳۷۵	۱۱- ایجاد سیستم تشویقی برای آثار منتشرشده طلاب و اندیشمندان حوزه
۱۲	۴۱.۸۲	۵.۳۹	۱.۳۶	۳.۲۵	۳۰۹	۱۲- الزامی شدن انتشار مقاله مستخرج از پایان‌نامه سطوح سه و چهار برای دفاع پایان‌نامه
۱۰	۴۱	۶.۱۱	۱.۴	۳.۴	۳۰۳	۱۳- تدوین نظامنامه جامع پژوهشی حوزه علمیه

جدول (۹) نشان می‌دهد که همه راهکارهای توسعه پژوهش در حوزه نمره (Z) بزرگتر از (Z) بحرانی، در سطح اطمینان ۰/۹۹ و $\frac{\alpha}{2}=0/01$ (۲/۵۸) کسب کردند و تفاوت میانگین همه آنها با میانگین مورد انتظار (۳) معنادار است. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد، ایجاد سیستم تشویقی برای آثار منتشرشده طلاب و اندیشمندان حوزه با میانگین (۳/۸۷) و انحراف استاندارد (۱/۲۵) و ضریب پراکندگی (۳۲/۲۵) به‌عنوان مؤثرترین راهکار در رتبه نخست قرار گرفته است. پس از آن، به‌ترتیب بازنگری اساسی و اصلاح نظام ارزیابی فعالیت‌های تحقیقاتی حوزویان، افزایش نشریات تخصصی برای چاپ و انتشار

مقالات علمی اندیشمندان حوزوی، آموزش و ارتقای توانمندی‌های علمی و عملی حوزویان در زمینه پژوهش (روش تحقیق، جست‌وجوی منابع و تجزیه و تحلیل اطلاعات)، در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار دارند. از سوی دیگر، طراحی پروتکل (آداب و قواعد فعالیت‌های علمی و پژوهشی، رسیدگی به وضعیت معیشتی طلاب و اندیشمندان جوان، به‌ترتیب با میانگین (۳/۳۲)، (۳/۹۳) و انحراف استاندارد (۱/۲۳)، (۱/۴۷) و ضریب پراکندگی (۳۷/۰۱)، (۳۷/۳۴) در رتبه پنجم و ششم قرار دارند.

برنامه‌ریزی برای فرهنگ‌سازی و ایجاد بسترهای مناسب برای پژوهش، اختصاص بخشی از وظایف آموزشی مدرسان (تدریس هفتگی) به پژوهش و تحقیق، تدوین اهداف و سیاست‌های کلان علمی برای تحقیقات در حوزه، به‌ترتیب، رتبه‌های هفت تا نه را دربر می‌گیرد و تدوین نظامنامه جامع پژوهشی حوزه علمیه، افزایش اعتبارات پژوهشی حوزه علمیه، الزامی شدن انتشار مقاله مستخرج از پایان‌نامه سطوح سه و چهار برای دفاع از پایان‌نامه، برگزاری همایش‌های علمی و تحقیقاتی به‌ترتیب، با میانگین (۳/۴)، (۳/۶۳)، (۳/۲۵)، (۲/۹۳) و انحراف استاندارد (۱/۴)، (۱/۵۲)، (۱/۳۶)، (۱/۲۵) و ضریب پراکندگی (۴۱)، (۴۱/۷۸)، (۴۱/۸۲)، (۴۲/۸۱) در رتبه ده تا سیزده قرار دارند.

نتیجه‌گیری

بی‌گمان یکی از اوصاف اصلی آدمی اندیشه‌ورزی است؛ اندیشه‌ورزی و تولید گزاره‌های فکری فقط در فرایند پژوهش و کنجکاوی‌ها و کنکاش‌های روشمند علمی میسر است. بی‌شک فرایند تقویت و توسعه نهادهای علمی و فرهنگی در جامعه نیز فقط در سایه بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی مقدور است. از طرف دیگر، امروزه آنچه ماندگاری و پیشرفت علمی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی یک جامعه را در پی می‌آورد، پژوهش، تولید و مدیریت دانش است؛ بر این اساس، برای دستیابی به پیشرفت‌های سریع علمی، هم‌افزایی در تحقیقات و کم‌کردن سطح علمی با جوامع پیشرفته و نیز رسیدن به رفاه و امنیت اجتماعی پایدار، باید به‌طور مستمر و بهینه به تولید و مدیریت دانش و استفاده از ظرفیت‌های انسانی و مادی پرداخت و با جلوگیری از کارهای تکراری و موازی و تبدیل دانش ذهنی به عینی و پرورش تفکر علمی و ارتقای توانمندی‌های متدولوژیک، فرهنگی، اطلاع‌رسانی، اداری و ساختاری و خدماتی برای تربیت پژوهشگران عرصه‌های مختلف، به‌ویژه جوانان مستعد و کنجکاو و درون‌دادهای آتی چرخه پژوهش به ترویج و اشاعه فرهنگ پژوهش، نوآوری، خلاقیت و... پرداخت.

حوزه علمیه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تولید علم، که بخش عمده و مهم کارش پروراندن محققان است (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۲۶)، برای گذراندن این مسیر، چاره‌ای جز ترویج اخلاق و

روحیه علمی و حمایت از دانش‌پژوهان برای ارتقای بینش و منش علمی و دمیدن روح امید و نشاط در میان طلاب و پژوهشگران حوزوی ندارد؛ بنابراین، بررسی عوامل بازدارنده مؤثر بر پژوهش‌های حوزه علمی می‌تواند آغازی برای تحلیل واقعی وضعیت و دسترسی به راهکارهای برون‌رفت از آن در جهت اهداف خود باشد.

پژوهش پیش‌رو با هدف شناسایی عوامل مزبور و اولویت‌بندی راهکارهای برون‌رفت از دیدگاه طلبه‌های سطح چهارم، به نتایج زیر دست یافت:

عوامل مربوط به سیاست‌گذاری نظام تحقیقاتی مهم‌ترین بازدارنده پژوهش در حوزه علمی است که در رأس آن، فقدان راهبردهای مناسب برای فعالیت‌های پژوهشی در حوزه و نبود اهداف پژوهشی روشن در نظام آموزش حوزه قرار دارد، پس از آن، عوامل فرهنگی که از مهم‌ترین بازدارنده‌های فرهنگی به‌شمار می‌آیند به‌ترتیب، تأکید بر آموزش محوری به‌جای پژوهش محوری در نظام آموزشی حوزه و استفاده نکردن از نتایج پژوهش‌های محققان حوزوی و نهادینه نشدن فرهنگ پژوهش در میان دانش‌پژوهان حوزه قرار دارند؛ سومین عامل بازدارنده پژوهش در حوزه علمی عوامل فردی (فنی و تخصصی) است. در میان عوامل فردی، پایین بودن میزان آشنایی با متدولوژی و روش‌شناسی تحقیق، وجود اشتغالات فکری مختلف برای امرار معاش و آشنایی کم آنان با شیوه‌های بهره‌گیری از اینترنت، رایانه و منابع پژوهشی قرار گرفتند. عوامل بازدارنده مربوط به نظام اداری و ساختاری در بازدارندگی از پژوهش حوزه، در جایگاه چهارم قرار دارد؛ در این زمینه، طولانی بودن فرایند طرح و تصویب پروژه‌های تحقیقاتی و مناسب نبودن شیوه ارزشیابی فعالیت‌های پژوهشی در آموزش حوزه علمی و فقدان قوانین و مقررات مشخص برای ارزیابی فعالیت‌های پژوهشی اهمیت بیشتری دارند. عوامل مربوط به نحوه ارائه خدمات پژوهشی پنجمین بازدارنده پژوهش در حوزه علمی است و به‌رغم اینکه تأثیر بازدارندگی آن کمتر از بقیه است؛ اما دشوار بودن دسترسی به استادان مجرب برای مشاوره و راهنمایی طرح‌های تحقیقاتی و نبود دروس خاص آموزش و آشنایی طلاب با روش‌های تحقیق در بین درس‌های حوزه، از موانع مهم و اثرگذار شناخته شدند. عوامل انگیزشی نقش بازدارندگی بسیار کمتری در پژوهش‌های حوزه دارد و در میان عوامل مطالعه شده در جایگاه آخر قرار گرفته است؛ اما در میان مؤلفه‌های انگیزشی، نبود گرایش مثبت به نقش تحقیقات در تقویت بنیان‌های فرهنگی و آموزشی حوزه و فقدان ترغیب و تشویق حوزویان به مطالعه و تحقیق در نظام آموزشی حوزه، از موانع جدی تلقی شده‌اند. بنابراین مهم‌ترین مشکل پیش‌روی تحقیقات در حوزه سیاست‌گذاری برای تحقیقات است و

فرهنگ‌سازی، ایجاد و نهادینه کردن روحیه تحقیق، تعاون، همکاری و تسهیم دانش و فعالیت‌های تیمی نیز به‌عنوان برآیندی نرم، پیچیده و طولانی می‌تواند با ایجاد فرهنگ پژوهش، آموزش را دچار تحول اساسی در جهت استقرار رویکرد پژوهش محور نماید. برای برون‌رفت از این عوامل بازدارنده و سرعت بخشیدن به فرایند تولید دانش در حوزه علمی، مناسب‌ترین راهکار از نظر آزمودنی‌ها، ایجاد سیستم تشویقی برای آثار منتشرشده طلاب و اندیشمندان حوزه، بازنگری اساسی و اصلاح نظام ارزیابی فعالیت‌های تحقیقاتی حوزه، افزایش نشریات تخصصی برای چاپ و انتشار مقالات علمی اندیشمندان حوزوی، آموزش و ارتقای توانمندی‌های علمی و عملی دانش‌پژوهان حوزه در زمینه پژوهش (روش تحقیق، جستجوی منابع و تجزیه و تحلیل اطلاعات) و طراحی پروتکل (آداب و قواعد فعالیت‌های علمی و پژوهشی) است.

منابع

- اسماعیل‌زاده، مرتضی (۱۳۸۳)، *راهبردهای اساسی تحول علمی در دانشگاه‌ها*، تهران، معارف.
- امیری، رضا، «پژوهش علمی و موانع آن در ایران» (۱۳۸۱)، *فرهنگ پژوهش*، ش ۱۰۰، ص ۵۲-۵۳.
- تابعی، ضیاءالدین و فرزاد محمودیان، «اخلاق در پژوهشگری» (۱۳۸۶)، *اخلاق در علوم فناوری*، سال ۲، ش ۱ و ۲، ص ۴۹-۵۴.
- تصویری قمصری، فاطمه و محمدرضا جهان‌نما، «بررسی وضعیت تولیدات علمی پژوهشگران پژوهشکده مهندسی» (۱۳۸۵)، *کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی*، ش ۲، ص ۱۰۷-۱۲۴.
- خوش‌فر، غلامرضا، «بررسی نقش تحقیق و مراکز تحقیقاتی در توسعه اقتصادی - اجتماعی» (۱۳۷۹)، *رهیافت*، ش ۲۲، ص ۹۸-۱۰۳.
- رضایی، اکبر و همکاران، «الگویی برای ایجاد علاقه و انگیزه به مطالعه و پژوهش: بررسی اثربخشی آن در دانش‌آموزان دوره راهنمایی» (۱۳۸۷)، *نوآوری‌های آموزشی*، سال هفتم، ش ۲۵، ص ۱۸۴-۱۵۱.
- زارع احمدآبادی، حبیب و همکاران، «واکاو موانع انجام پژوهش در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقات کشور با استفاده از تکنیک فازی (از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد)» (۱۳۸۸)، *مدیریت در دانشگاه اسلامی*، سال سیزدهم، ش ۴، ص ۱۱۳-۱۳۳.
- سرشتی، منیژه و همکاران، «موانع انجام تحقیقات از دیدگاه اساتید و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد» (۱۳۸۹)، *راهبردهای آموزش*، ش ۸، ص ۵۱.
- سعادت‌تی، لیلا، «بدون جایگاه، بدون آینده»، *روزنامه همشهری*، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۲.
- سواری، کریم و منوچهر تقی‌پور (۱۳۸۲)، *بررسی موانع پژوهش در دانشگاه پیام نور از دیدگاه اعضای هیأت علمی منطقه هفت*، اولین همایش ملی توسعه دانشگاه مجازی، دانشگاه پیام‌نور کاشان.
- شریف‌زاده، ابوالقاسم و همکاران، «بررسی عوامل مؤثر بر کارکرد پژوهشی اعضای هیأت علمی مراکز آموزش عالی کشاورزی» (۱۳۸۶)، *کشاورزی*، دوره نهم، ش ۲، ص ۴۷-۶۲.
- صافی، احمد، «اهمیت و جایگاه پژوهش در آموزش و پرورش؛ تلاش‌ها و چالش‌ها و سیاست‌های آینده» (۱۳۸۰)، *پژوهشنامه آموزشی*، ش ۳۵.
- طیبی، سیدجمال‌الدین، «نقش دانشگاه و پژوهش در توسعه ملی» (۱۳۷۶)، *پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی*، ش ۸ و ۷، ص ۲۴-۱۲۶.
- ظهور، علیرضا و علیرضا فکری، «موانع پژوهش از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران» (۱۳۸۲)، *پایش*، سال دوم، ش ۲، ص ۱۱۳-۱۲۰.
- عرب مختاری، روح‌الله (۱۳۸۶)، *شناسایی موانع و مشکلات پژوهش در رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه‌های دولتی کشور از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۸۵)، *مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی*، تهران، دوران.
- علمداری، علی کرم و اسفندیار افشون، «موانع موجود در انجام فعالیت‌های پژوهشی از دیدگاه اعضای هیأت علمی
- دانشگاه‌های شهر یاسوج» (۱۳۸۲)، *ارمغان دانش*، سال هشتم، ش ۲۹، ص ۲۷-۳۵.
- فضل‌الهی، سیف‌اله، «شناسایی و اولویت‌بندی موانع تولید علم از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های استان قم» (۱۳۸۸)، *معرفت*، ش ۱۴۱، ص ۱۲۷-۱۴۲.
- فضل‌الهی قمشی، سیف‌اله، «واکاو عوامل بازدارنده مؤثر بر پژوهش طلاب حوزه علمیه» (۱۳۹۰)، *معرفت*، ش ۱۶۰، ص ۱۴۵-۱۶۰.
- فضل‌الهی قمشی، سیف‌اله، «بررسی عوامل بازدارنده مؤثر بر پژوهش‌های دانشجویی» (۱۳۹۱)، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ش ۷، ص ۱۶۵-۱۸۴.
- فضل‌الهی قمشی، سیف‌اله و همکاران، «بررسی عوامل بازدارنده مؤثر بر پژوهش فرهنگیان» (۱۳۹۱)، *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، سال نهم، دوره دوم، ش ۵ (پیاپی ۳۲)، ص ۱۰۸-۱۲۲.
- کمالی، محمدباقر، «تحقیقات مشارکتی: رویافت‌ها، تجربیات» (۱۳۸۵)، *روستا و توسعه*، سال ۹، ش ۴، ص ۲۱۷-۲۴۷.
- کیانپور، مریم و همکاران، «بررسی موانع پژوهش در نظام علوم پزشکی از دیدگاه مسئولان، اعضای هیأت علمی و کارشناسان» (۱۳۸۴)، *پژوهش دانشگاه علوم پزشکی اصفهان*، ش ۲۸، ص ۱۹۱-۱۸۸.
- منصوری، جواد (۱۳۷۰)، *فرهنگ و استقلال*، چ سوم، تهران، وزارت امور خارجه.
- محمدی، امیر، «واقعیت‌ها و راه‌چاره‌ها» (۱۳۷۸)، *رهیافت*، ش ۲۰، ص ۹۸-۱۰۴.
- یحیی، فریبا، «تحول روند شاخص‌های تحقیقاتی» (۱۳۷۹)، *رهیافت*، ش ۲۳، ص ۲۳-۲۶.
- Abdolhak, m.and et al . (2001), *Health information: management of a Strategic Rsource*, USA, W.B. saunders Company.
- bennis,w. (1999), *Changing Organization*, New York, Mc graw-Hill.
- Carrion,M.and P.Woods and I.Norman. (2004), “Barriers to Research Utilisation Among forensic Mental Health Nurses”, *International Journal of Nursing studies*, 4, p. 613-619.
- Cohen,M.D.and S.G.jenning (2002), “Agreement and Reproducibility of Subjective Method of Mesuring Faculty time Distribution”, *Academic Radiology*, 9, p. 1201-1208.
- Cook, D. (2001), *Research Management of what Nature is the Concept?*, ohio state University.
- Edvard,k. (2002), “Short steps: Peer support of scholarly activity”, *Academic Medicine*,77, p. 939-944.
- Entwistle, N (2002), “Research-based university theaching”, *Psychology of Review*, v.26. N. 2.
- Hafler, j. p. and H. fredrick and j. R. Lovejoy (2000), “Scholarly Activites Recorded in the Portfolios of Teacher Clinical Faculty”, *Academic Medicine*, 75, p. 649-652.
- Halid, d. and Darrell, RI. (1998), “Determinant of Research Productivity in Higher Education”, *Research in Higher Education*, 36 (6), p. 931-607.
- Hemsley-Brown, j. and I. oplatka (2005), “Bridging the Research Practice Gap: Barriers and Facilitators to Research use Amony School Principals from England and Israel”, *Internationnal Journal of Public Sector Management*, vol. 18, No.5,20, p. 424-446.
- Pardcy, P.G. and, j. Roseboom (1998), “Development of National Agricultural Research Systems in an International Quantitative Perspective in Technlogy policy for Sustainable agricullural growth”, *IFPRI Policy Briefs*, N. 7,washing ton.D.C